



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

The Right to Have a Lawyer in the Iranian Law and the Principles of Transnational Proceedings

Hamid Abhary¹, Mehrdad Pakzad²

1. Prof. of private law, Faculty of Law and Political Sciences, Mazandaran University, Mazandaran, Iran. E-mail:

hamid.abbhary@gmail.com

2. Ph.d student of private law, Faculty of Law and Political Sciences, Mazandaran University, Mazandaran, Iran

(Corresponding Author). E-mail: pakzadlaw64@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 14 May 2024

Received in revised form 17
June 2024

Accepted 25 June 2024

Available online 30 June 2024

Advocacy is one of the sensitive and dangerous professions in society, which is referred to as one of the two arms of justice. The presence of a lawyer in the courts basically facilitates the discovery of the truth. The Iranian legislator, in Article 35 of the Constitution, has foreseen the right to have a lawyer and the right to choose a lawyer, and the principles of transnational proceedings have also respected this right. But our legislator, in the note of Article 48 of the Criminal Procedure Law, has limited the right to choose a lawyer in some criminal cases at the court stage. Is this limitation of choosing a lawyer consistent with domestic and international legal principles? In this article, this issue has been examined in the Iranian law and the principles of transnational proceedings, and Islamic sources have been referred to and analyzed in this article. The research method is descriptive-analytical through library data collection.

Keywords:

right,

lawyer,

approved lawyer,

transnational proceedings,

Iranian rights

Cite this article: Abhary, Hamid., Pakzad, Mehrdad. (2024). The right to have a lawyer in the Iranian law and the principles of transnational proceedings. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 2 (2), 85- 94. <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2023463.1036>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2023463.1036>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

حق داشتن وکیل دادگستری در حقوق ایران و اصول دادرسی فراملی

حمید ابهری^۱ | مهرداد پاکزاد^۲

۱. استاد گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. رایانامه: hamid.abbhary@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: pakzadlaw64@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

وکالت از مشاغل حساس و خطیر در جامعه است که از آن به‌عنوان یکی از دو بازو عدالت یاد شده است. حضور وکیل در محاکم اصولاً موجبات تسهیل کشف حقیقت را فراهم می‌آورد. قانون‌گذار ایرانی، در اصل ۳۵ قانون اساسی، حق داشتن وکیل دادگستری و حق انتخاب وکیل دادگستری را پیش‌بینی کرده و اصول دادرسی فراملی، نیز این حق را محترم شمرده است. ولی قانون‌گذار ما، در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، حق انتخاب وکیل دادگستری را در بعضی از پرونده‌های کیفری، در مرحله دادرسی را محدود کرده است. آیا این محدودسازی انتخاب وکیل دادگستری با اصول حقوقی داخلی و فراملی همخوانی دارد؟ در این مقاله، به بررسی این موضوع در حقوق ایران و اصول دادرسی فراملی پرداخته و در مقاله حاضر به منابع اسلامی مراجعه شده و بررسی شده است. روش انجام پژوهش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای می‌باشد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۱۰

کلیدواژه‌ها:

حق،

وکیل دادگستری،

وکیل مورد تأیید،

دادرسی فراملی،

حقوق ایران.

استناد: ابهری، حمید؛ پاکزاد، مهرداد (۱۴۰۳). حق داشتن وکیل دادگستری در حقوق ایران و اصول دادرسی فراملی. *مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی*، ۲ (۲)، ۸۵-۹۴.

اسلامی، ۲ (۲)، ۸۵-۹۴.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2024.2023463.1036>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

وکیل در لغت، نماینده یا کسی که از طرف کس دیگر برای کاری تعیین شود، معنی شده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۷۵۴). در لغت عربی، وکیل به معنای حافظ و نگهدارنده و یا اعتماد به واگذاری کار به دیگری تعریف شده است (مصطفوی، ۱۴۰۲: ۱۳/۱۹۲). در کتب فقهی، در تعریف وکالت گفته شده، وکالت استنباط در تصرف است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۷/۳۴۷- شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۴/۳۶۷). در ماده ۶۵۶ قانون مدنی، وکالت را عقدی دانسته که شخصی انجام امری را به دیگری نیابت می‌دهد. این توکیل در پاره‌ای از حقوق و حتی بعضی از تکالیف مانند حج، امکان‌پذیر است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷: ۱۰۶). رابطه منطقی بین نمایندگی و وکالت، رابطه عام و خاص من وجه است (محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۳: ۲/۲۰۶). این عقد را، برخی از حقوقدانان از عقود عهدی دانسته‌اند (شهیدی، ۱۳۹۰: ۸۳- عدل، ۱۳۸۹: ۳۵۴). ولی برخی دیگر، از جمله عقود اذنی دانسته‌اند (امامی، ۱۳۸۶: ۲/۲۹۳- کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۴/۲۹۳- شهبازی، ۱۳۸۵: ۱۰۷/۱۰۷) و برخی بر این نظرند که بعد از این که در شمار عقود اذنی آورده شد، به اعتبار آثار اذن، عقد اذنی-عهدی نامیده می‌شود (کاتوزیان، همان). برخی نیز، برخلاف صراحت قانون مدنی، وکالت را ایقاع می‌دانند و به این استدلال که مصداق ماهیتی بدون قبول صدق کند همان مصداق یا مثال دلیلی بر ایقاع بودن است، چراکه ماهیت، تحمل استثنا نمی‌کند. مثال این مورد را وکالت غیابی می‌آورند و قبول را تأسیسی نمی‌دانند بلکه قبول را تأییدی می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷: ۱۵۲). در هر صورت، قانون مدنی ایران، وکالت را عقد تعریف کرده و آن را محتاج قبول هر چند فعلی دانسته است و قبول را محتاج لفظی خاص نکرده است (حائری شاه باغ، ۱۳۹۸: ۵۹۳- کاشانی، ۱۳۹۴: ۱۸۶). اصولاً وکالت دادگستری، نیاز به تشریفات خاص دارد و از عقود تشریفاتی است به استناد به ماده ۳۲ قانون وکالت که انعقاد قرارداد وکالت بین وکیل دادگستری و موکل را مشروط به داشتن قرارداد حق الوکاله می‌کنند که بین خود ردوبدل کنند و نسخه دوم را به‌ضمیمه وکالت‌نامه به دفتر دادگاه تسلیم نمایند (ابهری، ۱۳۹۷: ۴۰).

حق، یعنی قدرتی که از طرف قانون به شخصی داده شده و یا اموری که در قانون پیش‌بینی شده اگر افراد مجاز باشند که به‌قصد خود برخی از آن‌ها را تغییر دهند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۳: ۲۱۶). حق را نوعی سلطنت و استیلا برای انسان بر چیز دیگر تعریف کرده‌اند (محقق داماد، ۱۳۹۹: ۲۰). برخی حق را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: حق سیاسی؛ مانند حق انتخاب شدن در مجالس قانون‌گذاری، حق عمومی؛ مانند حق آزادی، حق انتخاب وکیل دادگستری، حق خصوصی؛ مانند حق مالکیت و حق شفعه (کاتوزیان، ۱۳۸۳: ۲۵۶-۲۵۵).

قانون‌گذار در اصل سی و پنجم قانون اساسی ایران، در فصل سوم، تحت عنوان حقوق ملت، اعلام داشته است: اصحاب دعوا در تمامی دادگاه‌ها حق انتخاب وکیل را دارند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم می‌گردد. این اصل نشان‌دهنده اهمیت داشتن وکیل در محاکم است، زیرا همه افراد جامعه آگاهی کافی از قوانین و مقررات را ندارند. اهمیت این موضوع به حدی بوده است که حتی برای افرادی که تمکن و توانایی انتخاب وکیل را ندارند، تمهیداتی مانند وکیل تسخیری و معاضدتی پیش‌بینی شده است این موضوع در قانون اساسی مشروطه (قانون اساسی سابق ایران) پیش‌بینی نشده بود (مدنی، ۱۳۷۰: ۱۰۵). منظور قانون‌گذار از کلمه دادگاه‌ها، تمامی مراجع قضایی است نه صرف دادگاه به معنی خاص و شامل مراحل مختلف دادرسی، از مرحله تحقیقات مقدماتی تا مرحله صدور حکم می‌شود (هاشمی، ۱۳۹۲: ۳۳۸). اشخاص معمولاً می‌توانند از حق داشتن وکیل در دعاوی خود صرف‌نظر کنند، این خود نشان‌دهنده این است که این حق در تقسیم‌بندی حقوق در اسلام، از دسته حق‌الناس است، زیرا حق‌الله قابل اسقاط نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷: ۶).

وکیل دادگستری، یکی از موارد خاص وکالت است که دارای نقش بسزایی در روشن شدن حقیقت در دعاوی می‌باشد. قانون‌گذار حمایت‌هایی از وکیل می‌نماید و حقوقی برای ایشان قائل است در مقابل این حقوق، تکالیف و وظایفی را نیز بار می‌کند. در قوانین ما، به‌خصوص قانون وکالت، به شرح این وظایف پرداخته است.

«کار اصول آیین دادرسی مدنی فراملی در سال ۱۹۹۷ به‌عنوان یکی از پروژه‌های موسسه حقوق آمریکا راجع به قواعد فراملی آیین دادرسی مدنی (که بعدها عنوان آن به اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی تغییر پیدا کرد) با پیشنهاد پروفسور جفری هزرد، مدیر وقت موسسه حقوق آمریکا و پروفسور میشل تاروفو به‌عنوان گزارشگر آغاز شد. سپس پروفسور آنتونیو جیدی، ابتدا به‌عنوان گزارشگر دستیار و سپس به‌عنوان یکی از گزارشگران به این پروژه پیوست. زمانی که مشخص شد همکاری با یک موسسه بین‌المللی ممتاز مفید است، موسسه حقوق آمریکا همکاری خود را در سال ۱۹۹۹ با موسسه یکسان‌سازی حقوق خصوصی آغاز کرد و توجه پروژه از قواعد دادرسی به سمت اصول دادرسی معطوف شد.» (پور استاد، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۲)

این‌گونه اصول و قواعد فراملی، باعث ایجاد وحدت قوانین در کشورهای مختلف در طولانی‌مدت در صورت پذیرش عمومی کشورها خواهد شد.

در این مقاله بر آنیم، به بررسی این اشتراکات و تفاوت‌ها علی‌الخصوص تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، در خصوص حق داشتن وکیل، در قوانین ایران و اصول آیین دادرسی مدنی فراملی بپردازیم. روش این تحقیق، از نوع روش کتابخانه‌ای است.

۱. حق داشتن وکیل دادگستری از منظر اسلام

اولین منبع حقوق اسلامی قرآن است و برای اثبات یا رد یک موضوع شرعی قاعدتاً ابتدا به کتاب مراجعه می‌گردد؛ بنا بر نظر برخی از مفسرین قرآن کریم، معنی کلمه خصیم در آیه شریفه ۱۰۵ سوره مبارکه نساء «... لا تکن للکائناتین خصیماً» (هرگز از خیانت‌کاران طرفداری نکن) کسی که از ادعای شاکی یا هر چیزی که در حکم دعوی است دفاع می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۴۸۲). به این معنا که‌ای پیامبر^(ص) از خیانت‌کاران دفاع نکن، بلکه جانب افراد محق را بگیر. پس بر اساس آیه شریفه مزبور، می‌توان وکالت از غیر خائن را در دفاع از اتهاماتشان بر عهده گرفت.

در سیره حضرت امیر^(ع) بنا بر روایت‌های وارده حضرت، برادرشان عقیل را نزد خلیفه دوم وکیل نموده‌اند و یا عبدالله بن جعفر را نزد خلیفه سوم وکیل کرده‌اند (ابن قدامه، ۲۰۰۹: ۲۰۵).

با عنایت به مطالب بیان شده، داشتن حق وکیل در اسلام هیچ‌گونه مانعی ندارد بلکه با توجه به آیه شریفه ۱۰۵ سوره مبارکه نساء و آیات زندگی حضرت موسی^(ع) که از خداوند تقاضا می‌نمایند با توجه به شیوایی بیان برادرشان هارون، مطالب الهی نزد فرعون توسط ایشان بیان گردد (آیه ۳۴ سوره قصص)؛ که نوعی وکالت و دفاع است، نشان از سنت الهی و سیره انبیاء و ائمه در داشتن حق وکیل می‌باشد؛ هرچند وکالت در آن زمان با وکالت دادگستری امروزه تا حدودی متفاوت بوده است.

۲. حق داشتن وکیل در حقوق ایران

در قانون اساسی مشروطه اصلی از اصول تحت عنوان حق انتخاب وکیل دادگستری نیامده است.

وکالت دادگستری در ایران سابقه چندان زیادی ندارد و در دوران استبداد (اواخر سلطنت قاجار) افرادی به‌عنوان وکیل در محاضر شرع یا دیوان‌خانه عدلیه از حقوق طرفین دفاع می‌کردند و این اشخاص تابع اصول و مقررات نبودند. در زمان مشروطیت با وجود تصویب قانون تشکیلات عدلیه، شرایط اجرای قانون فراهم نبود، وکالت نیز تابع این شرایط بود و نتوانستند وکالت را بر اساس قانون اجرا کنند (متین دفتری، ۱۳۸۸: ۱۶۵).

اولین بار، قانون وکلا دادگستری در ایران، در سال ۱۳۰۹، به وجود آمد که وابسته به یکی از ادارات عدلیه و ریاست قانون با شخص وزیر عدلیه بود و شعبی به نام شعب معاضدت قضایی در قانون تشکیل گردید (مدنی، ۱۳۸۸: ۵۱۴). پس از سال‌ها تلاش و مجاهدت، قانون وکلا در اسفندماه سال ۱۳۳۳، بر اساس لایحه قانونی استقلال قانون وکلا دادگستری، مستقل شد (بهرامی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی، به‌صراحت اعلام داشته است که «اصحاب دعوا در تمامی دادگاه‌ها حق انتخاب وکیل را دارند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند برای آن‌ها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد». علاوه بر قانون وکلا که وظیفه انتخاب، آموزش و نظارت در چارچوب قانون بر وکلا را دارد، در اجرای ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۲۷/۱/۷۹، قوه قضاییه اجازه یافت تا نسبت به تأیید صلاحیت فارغ‌التحصیلان رشته حقوق، برای صدور مجوز تأسیس مؤسسات مشاوره حقوقی برای آنان اقدام کند (شمس، ۱۳۸۴: ۲۳۶). هرچند که مدت اعتبار قانون مزبور تا پایان سال ۱۳۸۳، می‌باشد ولی کماکان قوه قضاییه به اجرای این ماده ادامه می‌دهد (بهشتی؛ مردانی، ۱۳۹۴: ۲۳۹).

درباره مفهوم کلمه دادگاه در اصل ۳۵ قانون اساسی اختلاف‌نظر وجود داشت. مبنی بر این که آیا کلمه دادگاه شامل دادرها می‌گردد؟ یا خیر؟

مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز به‌منظور دفع هرگونه شائبه درباره این حق در مصوبه انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا، مورخ ۱۳۷۰/۷/۱۱، بر این حق تأکید ورزید. در سال ۱۳۸۳، مقنن در بند ۳ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، به‌صراحت محاکم و دادرها را ملزم به فراهم کردن فرصت استفاده از وکیل برای طرفین دعوا نموده است.

تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، حق استفاده از وکیل تسخیری و معاضدت در مراحل تحقیقات مقدماتی برای متهم پیش‌بینی نشده بود و بعد از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و اصلاحی ۱۳۹۴، رعایت حقوق متهم از جمله حق استفاده از وکیل مدافع در کلیه مراحل دادرسی کیفری به ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی موردتوجه خاص مقنن قرار گرفت ولی با تصویب تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، قانون‌گذار با ایرادات و انتقادات قابل‌توجهی مواجه گردید.

«تضمین حقوقی دفاعی متهم واجد اهمیت فراوانی است و با پذیرش حضور وکیل چه از طرف متهم و چه از طرف بزه دیده، به این امر نه‌تنها به‌عنوان یک حق می‌نگرد، بلکه آن را در زمره اصول دادرسی منصفانه می‌انگارد و نقش وکیل را می‌توان به‌عنوان یاور دادرسی در امر دادرسی دانست» (میرکمالی، ۱۳۹۹: ۱۳۳).

در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، حق داشتن وکیل را در مراحل تحقیقاتی به رسمیت می‌شناسد، ولی تبصره اصلاحی سال ۹۴، در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آن‌ها مشمول ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری است، در مراحل تحقیقات مقدماتی حق انتخاب وکیل را برای متهمین با قید و کلاهی مورد تأیید رئیس قوه قضائیه محدود می‌کند. این محدودیت موانعی را در انتخاب وکیل برای متهمین این جرائم ایجاد می‌کند که مخالف آزادی افراد است؛ چراکه افراد در انتخاب وکیل با اتکا به تجارب و سواد حقوقی و کلا عمل می‌کنند، نه بر اساس تأیید صلاحیت وکیل توسط رئیس قوه قضائیه.

تبصره مزبور، اجازه می‌دهد رئیس قوه قضائیه بدون معیار یا ضابطه مشخصی و کلاهی را انتخاب و به‌عنوان وکلای مورد تأیید معرفی نماید. در دادگاه ویژه روحانیت به‌جز افراد محدودی از وکلا، مابقی وکلا در آن دادگاه، ممنوع هستند با این استدلال که دعاوی آن دادگاه، ویژه روحانیت است و خاص محسوب می‌شود؛ ولی با تصویب این تبصره این استثناء تبدیل به یک قاعده شده است (ساقیان، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۳۶) که نوعی تخصیص اکثر است که در اصول فقه، این تخصیص را قبیح می‌دانند.

سؤالی که ابتداً به ذهن متبادر می‌شود این است، چرا وکلا مورد تأیید رئیس قوه قضائیه قرار گیرند؟

طرفین دعوا، در انتخاب وکیل دادگستری، آزاد هستند و وکالت دادگستری، بر اساس ماهیت قراردادی که دارد تابع اصل حاکمیت اراده و آثار آن است (کریمی؛ محسنی، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

با نگاهی اجمالی به جرائم مندرج در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، متوجه خواهیم شد که جرائم مزبور، جرائمی هستند که مجازات سنگینی در قانون برای آن‌ها پیش‌بینی شده است؛ که در انتخاب وکیل برای این جرائم تخصص و تجربه بسیار با اهمیت است ولی در محدودیت مذکور، معیاری برای انتخاب و تأیید رئیس قوه به چشم نمی‌خورد.

این تبصره حتی در صلاحیت کانون‌های وکلا دخالت نموده و امر تأیید صلاحیت وکلای دادگستری که از وظایف ذاتی کانون وکلاست، در این مورد را در صلاحیت رئیس قوه قضائیه قرار می‌دهد که این امر مغایر با اساسنامه اتحادیه کانون‌های وکلا جهانی آی. بی. آی، است که مقرر داشته است: هرگونه نقض استقلال وکلا یا کانون‌های وکلای دادگستری مستقل می‌تواند موجب اخراج کشور عضو از آی. بی. آی، تلقی گردد (قدسی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷۷ تا ۴۰۲).

این‌که در مراحل دادرسی کیفری جرائم تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، سه رکن، دادستان، قاضی و وکیل متهم، هر سه منتخب و مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشد، عدالت و بی‌طرفی را تا حدی دچار خدشه خواهد کرد و دادرسی عادلانه را در مظان اتهام قرار می‌دهد.

۳. حق داشتن وکیل در اسناد بین‌المللی

در اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان نخستین سند مهم بین‌المللی قرن بیستم، نصی درباره وکالت و ضرورت حضور وکیل در دادرسی نیست ولی در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به‌تفصیل درباره حق حضور وکیل در دادرسی سخن گفته شده است: «هرکس حق دارد در محاکم حاضر شود و شخصاً یا به‌وسیله وکیل منتخب خود، از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد

حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیل تعیین شود و در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله، هزینه‌ای نخواهد داشت».

در دیگر اسناد بین‌المللی در خصوص داشتن حق وکیل می‌توان به بند ۳ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بند ۱ ماده ۱۷ مجموعه اصول حمایت از همه افراد تحت هرگونه حبس یا بازداشت و اصل ۱ اصول بنیادین نقش وکلا (۱۹۹۰) اشاره کرد (قه‌رمانی؛ یوسفی محله، ۴۲۹:۱۳۸۳-۴۲۸).

در قوانین بین‌المللی، نیز به آن پرداخته‌اند؛ از جمله بند ۲ ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب دهم دسامبر ۱۹۴۸، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، ماده ۹۹، از قرارداد ژنو راجع به معامله با اسیران جنگی (مصوب ۱۲ اوت ۱۹۴۹ کنفرانس سیاسی ژنو)، ماده ۹۳، از مقررات مصوب کنفرانس سازمان ملل متحد درباره حداقل رفتار با زندانیان به منظور مبارزه با جرم و چگونگی رفتار با زندانیان (ژنو- سال ۱۹۵۵)، بند ۴ از بند ۴ از ماده ۱۴-۱ و از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد) که ایران در سال ۱۳۵۴، به موجب قانون به این میثاق اخیر ملحق شده است.

۴. حق داشتن وکیل دادگستری در اصول آیین دادرسی فراملی

اصل یازدهم اصول آیین دادرسی مدنی فراملی به تکالیف وکلا و طرفین دعوا در اجرای عدالت پرداخته است، ابتدا تاریخچه مختصری در این خصوص گفته می‌شود. قواعد و اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، اولین بار توسط موسسه حقوق آمریکا در واشنگتن دی سی و موسسه یکنواخت سازی حقوق خصوصی رم، جهت تدوین مقررات مشترک قابل قبول و عادلانه تهیه شد. در سال ۲۰۰۴، دو موسسه، بر اساس پیش‌نویسی که اشتورنر، تاروفو، جیدی و هازارد تدوین کرده بودند، متن اصول آیین دادرسی مدنی فراملی را به تصویب رساندند. متن قواعد آیین دادرسی مدنی، نیز بدون این که به تصویب برسانند در کنار این اصول منتشر کردند. منظور، اصول، مقررات بسیار کلی و عمومی که معیارهای دادرسی عادلانه است را در نظر می‌گیرد و قواعد مقررات جزئی و تفصیلی را پیش‌بینی می‌کند (غمامی، محسنی، ۱۳۹۰: ۱۵-۱۳).

در بند ۱ اصل یازدهم از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، طرفین و وکلا به رفتار توأم با صداقت ملزم کرده است و در بند ۵ این اصل، وکلا را به لحاظ حرفه‌ای متعهد به اجرای تعهدات متناسب به رعایت آیین دادرسی نموده است (همان، ۱۰۴). اصول اخلاق حرفه‌ای وکلا در کشورها، متفاوت است ولی همه کشورها، باید استقلال وکلا در دفاع از منافع موکلین و حفظ اسرار موکلین که در جریان وکالت تحصیل کرده‌اند، توسط وکلا را بپذیرند (پور استاد، ۱۳۹۲: ۹۲). همان‌طور که گفته شد اصول در دادرسی فراملی، به کلیات می‌پردازد و تفصیل بیشتر را به قواعد واگذار می‌کند. از این دو بند اصل یازدهم، برمی‌آید که اصل بر صداقت و درستکاری وکیل و تعهد کیفیت علمی و عملی اوست. با توجه به این که هدف از نگارش اصول دادرسی فراملی، تدوین قوانین مشترک است.

در خصوص حق برخورداری طرفین دعوا از خدمات وکیل دادگستری در اصول آیین دادرسی مدنی فراملی، در اصل ۴-۱ و ۴-۲ به صراحت به شرح ذیل پرداخته شده است:

۴-۱. هر یک از طرفین دعوا حق دارد از خدمات وکیل دادگستری منتخب خود برخوردار شود این حق شامل بهره‌مندی از خدمات وکیل دادگستری مشغول به وکالت در کشور مقرر دادگاه و برخورداری از معاضدت حقوقی مؤثر وکیل دادگستری مجاز به وکالت در محلی غیر از کشور مقرر دادگاه می‌شود.

۴-۲. استقلال حرفه‌ای وکلای دادگستری باید مورد احترام واقع شود. وکیل دادگستری باید قادر باشد نسبت به موکل خود تکلیف صداقت را حفظ نموده و در تبادل اطلاعات با او تکلیف محرمانه نگاه‌داشتن این اطلاعات را رعایت کند (غمامی، محسنی، ۱۳۹۰: ۲۱۳).

طرفین دعوا نمی‌توانند از وکیل دادگستری غیرمستقر در کشور مقرر دادگاه (وکیل خارجی) استفاده کنند.

نتیجه‌گیری

وکالت دادگستری از مشاغل بااهمیت است. اهمیت شغل وکالت در دفاع از حقوق طرفین دعوا در حدی است که در اصل سی و پنجم قانون اساسی، حق داشتن وکیل به‌عنوان یک اصل پرداخته است در سال‌های اخیر مؤسسات علمی در آمریکا و اروپا، در پی نگارش اصول و قواعدی متحدالشکل، از مشترکات آیین دادرسی مدنی فراملی، هستند که تحت همین عنوان، اصول دادرسی را تصویب و در ضمیمه آن قواعد را بدون تصویب، نشر داده‌اند. با بررسی بندهای قانونی مرتبط این اصول با قوانین داخلی، می‌توان گفت این اصول دادرسی فراملی کاملاً منطبق با قوانین داخلی ایران است. توضیحات بیشتر اصول فراملی در قواعد فراملی ارائه شده است.

با بررسی قوانین داخلی و اصول دادرسی فراملی، می‌توان نتیجه گرفت، قوانین داخلی حق داشتن وکیل دادگستری و ایجاد بستر قانونی برای اخذ وکیل از جمله: صدور پروانه وکالت و داشتن وکیل برای افراد فاقد تمکن مالی از طریق وکالت معاضدتی و تسخیری را فراهم نموده است، ولی با تخصیص در تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری، حق انتخاب وکیل دادگستری را در مرحله تحقیقات مقدماتی در جرائم مهم و سنگین بدون دلیل محدود نموده است؛ مرحله‌ای که نقش بسزایی در حقوق متهم دارد. در این مرحله با قید وکیل مورد تأیید رئیس قوه قضائیه، به‌نوعی سه رکن قاضی دادرسی، دادستان و وکیل دادگستری، هر سه را منتخب قوه قضائیه می‌داند و دادرسی عادلانه را در مظان اتهام قرار می‌دهد و این که معیار علمی برای مورد تأیید قرار دادن وکلا مشخص نگردیده و صرفاً قید مورد تأیید آورده شده است و به‌نوعی در کار کانون‌های وکلا نیز دخالت صورت گرفته است. پیشنهاد می‌گردد برای جلوگیری از نقص این حق مهم مانند اصول دادرسی فراملی این تبصره حذف گردد.

منابع

قرآن کریم.

الف) منابع فارسی

- ابهری، حمید، برزگر، محمدرضا، (۱۳۹۷)، آیین دادرسی مدنی ۱، مجد، تهران، چاپ دوم.
- امامی، میر سید حسن، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی، ج ۲، اسلامیه، تهران، چاپ نوزدهم.
- بهرامی، بهرام، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی مدنی ۱ و ۲، نگاه بینه، تهران، چاپ یازدهم.
- بهشتی، محمد جواد، مردانی، نادر، (۱۳۹۴)، آیین دادرسی مدنی ۳-۲-۱، میزان، تهران، چاپ اول.
- پور استاد، مجید، (۱۳۹۲)، اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی، شهر دانش، تهران، چاپ سوم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، اندیشه و ارتقاء، گنج دانش، تهران، چاپ اول.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۳)، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چاپ چهاردهم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۷)، قوه قدسیه، گنج دانش، تهران، چاپ دوم.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۹۷)، مکتب‌های حقوقی در حقوق اسلام، گنج دانش، تهران، چاپ چهارم.
- حائری شاه باغ، سید علی، (۱۳۹۸)، شرح قانون مدنی، گنج دانش، تهران، چاپ پنجم.
- شهبازی، محمد حسین، (۱۳۸۵)، مبانی لزوم و جواز اعمال حقوقی، موسسه مطالعات حقوقی فرزنانگان دادآفرین، تهران، چاپ اول.
- شهیدی، مهدی، (۱۳۹۰)، تشکیل قراردادهای، مجد، تهران، چاپ هشتم.
- شمس، عبدالله، (۱۳۸۴)، آیین دادرسی مدنی، ج نخست، دراک، تهران، چاپ دهم.
- عدل (عدل السلطنه)، منصور، (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، خرسندی، تهران، چاپ اول.
- غمامی، مجید، محسنی، حسن، (۱۳۹۰)، آیین دادرسی مدنی فراملی، سهامی انتشار، تهران، چاپ اول.
- قهرمانی، نصرالله، یوسفی محله، ابراهیم، (۱۳۸۳)، مجموعه کامل مقررات، مجد، تهران، چاپ اول.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، عقود معین، ج ۴، سهامی انتشار، تهران، چاپ ششم.
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، مقدمه علم حقوق، سهامی انتشار، تهران، چاپ سی و هشتم.
- کاشانی، سید محمود، (۱۳۹۴)، حقوق مدنی قراردادهای ویژه، میزان، تهران، چاپ دوم.
- متین دفتری، احمد، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، مجد، تهران، چاپ سوم.
- مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۸۸)، آیین دادرسی مدنی، ج ۱، پایدار، تهران، چاپ دوم.
- مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، نشر همراه، تهران، چاپ اول.
- محقق داماد، سید مصطفی، قنواتی، جلیل، وحدتی شبیری، سید حسن، عبدی پور فرد، ابراهیم، (۱۳۹۳)، حقوق قراردادهای در فقه امامیه، ج ۲، سمت، تهران، چاپ سوم.
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۹)، قواعد فقه بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ پنجاه و چهارم.
- هاشمی، سید محمد، (۱۳۹۲)، حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، میزان، تهران، چاپ دوم.

(ب) منابع عربی

شهید ثانی، عاملی، زین الدین بن علی، (۱۴۱۰)، الروضه البهیه فی شرح اللمعه دمشقیه (المحشی کلانتر)، ج ۴، کتابفروشی داوری، قم، چاپ اول.

مصطفوی، حسن، (۱۴۰۲)، التحقیق فی کلمات قرآن کریم، ج ۱۳، مرکز کتاب لترجمه و النشر، تهران، چاپ اول.
نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۷، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.

(ج) مقالات

ساقیان، محمد مهدی، تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، مجله پژوهش‌های حقوق کیفری، سال دوم، شماره ششم، ۱۱۳-۱۳۶.

قدسی، سید ابراهیم، ملکی، امین، غلامی، میثم، جایگاه وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در پرتو تحولات قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، فصلنامه حقوق ملل، سال سوم، شماره ۱۰، ۳۷۷ تا ۴۰۲.

کریمی، عباس، محسنی، حسن، اصل آزادی دفاع در دادرسی مدنی، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۳، ۹۳-۱۱۰.
میرکمالی، سید علیرضا، تأمین امنیت قضایی در پرتو حق برخورداری متهم از وکیل در حقوق ایران، فرانسه و اسناد بین‌المللی، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال بیست و یکم، شماره ۵۱، ۱۲۷-۱۵۰.

